



مرکز ملی پرورش استعدادهای درخشان
و دانش پژوهان جوان

باسمه تعالی
جمهوری اسلامی ایران
وزارت آموزش و پرورش
مرکز ملی پرورش استعدادهای درخشان و دانش پژوهان جوان
معاونت دانش پژوهان جوان

مبارزه علمی برای جوانان، زنده کردن روح جست و جو و کشف واقعیت هاست. «امام خمینی (ره)»

دفترچه سؤالات مرحله اول سال ۱۳۹۶

سی و یکمین دوره المپیاد ادبی

بعد از ظهر - ساعت: ۱۴:۰۰

کد دفترچه: ۱

تعداد سؤالات	مدت آزمون (دقیقه)
۱۰۰	۱۱۰

نام :

نام خانوادگی :

شماره صندلی :

توضیحات مهم

یاد خدا آرام بخش دلهاست.

- ۱ - کد دفترچه سؤالات شما ۱ است. این کد را در محل مربوط روی پاسخنامه با مداد پر کنید. در غیر این صورت پاسخنامه شما تصحیح نخواهد شد. توجه داشته باشید کد دفترچه سؤالات شما که در زیر هر یک از صفحه های این دفترچه نوشته شده است، با کد اصلی که در همین صفحه است، یکی باشد.
- ۲ - بلافاصله پس از آغاز آزمون، تعداد سؤالات داخل دفترچه و وجود همه برگه های دفترچه سؤالات را بررسی نمایید. در صورت وجود هرگونه نقصی در دفترچه، در اسرع وقت مسؤول جلسه را مطلع کنید.
- ۳ - یک برگ پاسخنامه در اختیار شما قرار گرفته که مشخصات شما بر روی آن نوشته شده است. در صورت نادرست بودن آن، در اسرع وقت مسؤول جلسه را مطلع کنید. ضمناً مشخصات خواسته شده در پایین پاسخنامه را با مداد مشکی بنویسید.
- ۴ - برگه پاسخنامه را دستگاه تصحیح می کند، پس آن را تا نکنید و تمیز نگه دارید و به علاوه، پاسخ هر پرسش را با مداد مشکی نرم در محل مربوط علامت بزنید. لطفاً خانه مورد نظر را کاملاً سیاه کنید.
- ۵ - پاسخ درست به هر سوال ۳ نمره مثبت و پاسخ نادرست ۱ نمره منفی دارد.
- ۶ - همراه داشتن هرگونه کتاب، جزوه، یادداشت و لوازم الکترونیکی نظیر تلفن همراه و لپ تاپ ممنوع است. همراه داشتن این قبیل وسایل حتی اگر از آن استفاده نکنید یا خاموش باشد، تقلب محسوب خواهد شد.
- ۷ - آزمون مرحله دوم برای دانش آموزان پایه دهم، صرفاً جنبه آزمایشی و آمادگی دارد و شرکت کنندگان در دوره تابستانی از بین دانش آموزان یازدهم انتخاب می شوند.
- ۸ - داوطلبان نمی توانند دفترچه سؤالات را با خود ببرند. (دفترچه باید همراه پاسخنامه تحویل داده شود).

منابع درسی

۱- در کدام مصراع اجزای جمله جابه‌جا شده است؟

- (۱) من ایرانی‌ام آرمانم شهادت
(۲) تجلی هستی است جان‌کندن من
(۳) مپندار این شعله افسرده گردد
(۴) من آزاده از خاک آزادگانم

۲- توضیح مقابل کدام گزینه نادرست است؟

- (۱) بدانست کاویخت گردآفرید / مر آن را جز از چاره درمان ندید: نهاد بیت گردآفرید است.
(۲) کنون من گشایم چنین روی و موی / سپاه تو گردد پر از گفت و گوی: منظور از «تو» سهراب است.
(۳) سپهد عنان ازدها را سپرد / به خشم از جهان روشنایی بیرد: منظور از ازدها اسب است.
(۴) کشانی بخندید و خیره بماند / عنان را گران کرد و او را بخواند: منظور از «عنان گران کردن» تازاندن اسب است.

۳- توضیح کدام گزینه نادرست است؟

- (۱) به سهراب بر تیرباران گرفت / چپ و راست جنگ سواران گرفت: با جنگجویان اطراف خود شروع به جنگیدن کرد.
(۲) کنون لشکر و دژ به فرمان توست / نباید بر این آشتی جنگ جست: نباید این آشتی را رها کرد و جنگید.
(۳) تهمتن بر آشفست و با طوس گفت / که ره‌ام را جام باده است جفت: ره‌ام اهل خوشگذرانی است نه جنگ.
(۴) خروشید کای مرد رزم‌آزمای / هماوردت آمد مشو باز جای: هم‌نبردت آمد میدان را ترک مکن.

۴- در کدام گزینه همزه حذف نشده است؟

- (۱) من چنینم که نمودم دگر ایشان دانند
(۲) وصل خورشید به شب‌پره اعمی نرسد
(۳) آه اگر خرقة پشمین به گرو نستانند
(۴) دیو بگریزد از آن قوم که قرآن خوانند

۵- در همه گزینه‌ها جمله‌ای هست که بدون دیگری ناقص است بجز گزینه

- (۱) وین بوم محنت از پی آن تا کند خراب / بر دولت‌آشیان شما نیز بگذرد
(۲) آب اجل که هست گلوگیر خاص و عام / بر حلق و بر دهان شما نیز بگذرد
(۳) زین کاروانسرای بسی کاروان گذشت / ناچار کاروان شما نیز بگذرد
(۴) در مملکت چو غرش شیران گذشت و رفت / این عوعو سگان شما نیز بگذرد

۶- در کدام گزینه آرایه جناس دیده می‌شود؟

- (۱) از رای تو سر نمی‌توان تافت / وز روی تو در نمی‌توان بست
- (۲) گفتم که بر خیالت راه نظر ببندم / گفتا که شبرو است او از راه دیگر آید
- (۳) گه نعره زدی بلبل گه جامه دریدی گل / با یاد تو افتادم از یاد برفت آنها
- (۴) ای صاحب کرامت شکرانه سلامت / روزی تفقدی کن درویش بینوا را

۷- کدام گزینه نادرست است؟

- (۱) زبان فارسی باستان به خط میخی نوشته شده است. (۲) پیشینه زبان دری به دوران پیش از اسلام می‌رسد.
- (۳) خط فارسی پس از اسلام برگرفته از خط پهلوی است. (۴) اوستا در دوره ساسانی به نگارش درآمده است.

۸- قاعده قافیه در کدام بیت متفاوت است؟

- (۱) یار با ما بی‌وفایی می‌کند / بی‌گناه از من جدایی می‌کند
 - (۲) هر که بی‌او زندگانی می‌کند / گر نمی‌میرد گرانی می‌کند
 - (۳) گر برود به هر قدم در ره دیدنت سری / من نه حریف رفتنم از در تو به هر دری
 - (۴) چونست حال بستان ای باد نوبهاری / کز بلبلان برآمد فریاد بی‌قراری
- ۹- فاعل فعل‌های مشخص‌شده در همه گزینه‌ها یکسان است بجز

- (۱) به ترتیبی نهاد وضع عالم / که نی یک موی باشد بیش و نه کم
- (۲) کمال عقل آن باشد در این راه / که گوید نیستم از هیچ آگاه
- (۳) در ناسته احسان گشاده‌ست / به هر کس آنچه می‌بایست داده‌ست
- (۴) خرد را گر نبخشد روشنایی / بماند تا ابد در تیره‌رایی

۱۰- در همه گزینه‌ها استعاره مصرحه هست بجز گزینه

- (۱) در گلستانی کان گلبن خندان بنشست / سرو آزاد به یک پای غرامت برخاست
- (۲) اگر این شکر ببینند محدثان شیرین / همه دست‌ها بخایند چو نیشکر به دندان
- (۳) آن کیست که پیرامن خورشید جمالش / از مشک سیه دایره نیمه کشیده‌ست
- (۴) سروبالای منا گر چون گل آبی در چمن / خاک پایت نرگس اندر چشم بینایی کشد

۱۱- در کدام گزینه اندیشه‌ای نزدیک به بیت زیر آمده است؟

کدام دانه فرو رفت در زمین که نرست / چرا به دانه انسانیت این گمان باشد

- (۱) کاش از پس صد هزار سال از دل خاک / چون سبزه امید بردمیدن بودی
- (۲) اگرچه هیچ گل مرده دوباره زنده نشد اما / بهار در گل شیپوری مدام گرم دمیدن بود
- (۳) نهاده‌ایم قدم از عدم به سوی عدم / حیات نام مده فصل انتقالی را

۴) به وقت صبح قیامت که سر ز خاک برآرم / به گفت و گوی تو خیزم به جست و جوی تو باشم

۱۲- توضیح کدام گزینه درست است؟

- ۱) فخری که از وسیلت دون‌همتی رسد / گر نام و ننگ داری از آن فخر عار دار: آبرومندی و نامجویی حقارت را محو می‌کند.
- ۲) دردی است غیر مردن کان را دوا نباشد / پس من چگونه گویم کاین درد را دوا کن: هر دردی جز مرگ چاره دارد.
- ۳) دلم شکستی و رفتی خلاف شرط مودت / به احتیاط رو اکنون که آبگینه شکستی: مراقب باش دل شکستگی من موجب آزارت نشود.
- ۴) ارباب حاجتیم و زبان سؤال نیست / در حضرت کریم تمنا چه حاجت است: عظمت خداوند مانع از بیان نیاز است.

۱۳- تقطیع کدام گزینه نادرست است؟

- ۱) چه فتنه‌ست اینکه در چشمت به غارت می‌برد دلها / تویی در عهد ما گر هست در شیراز فتانی: مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن
- ۲) دیگران چون بروند از نظر از دل بروند / تو چنان در دل من رفته که جان در بدنی: فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن
- ۳) بار بی‌اندازه دارم بر دل از سودای جانان / آخر ای بیرحم باری از دلی برگیر باری: فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن
- ۴) طوطی نگوید از تو دلاویز تر سخن / با شهد می‌رود ز دهانت به در سخن: مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن

۱۴- کدام گزینه تنها از تکرار یک رکن عروضی (وزن‌واژه) تشکیل شده است؟

- ۱) چه کسم من چه کسم من که بسی وسوسه‌مندم / گه از آن سوی کشندم گه از این سوی کشندم
- ۲) ندانمت به حقیقت که در جهان به که مانی / جهان و هر چه در آنست صورتند و تو جانی
- ۳) هر کاو نکند فهمی زین کلک خیال‌انگیز / نقشش به حرام ار خود صورتگر چین باشد
- ۴) چه قیامت است جانا که به عاشقان نمودی / دل و جان فدای رویت بنما عذار ما را

۱۵- در کدام گزینه همهٔ ارکان تشبیه وجود دارد؟

- ۱) آسوده بر کنار چو پرگار می‌شدم / دوران چو نقطه عاقبتم در میان گرفت
- ۲) حیف است طایری چو تو در خاکدان غم / زینجا به آسمان وفا می‌فرستمت
- ۳) یارب مگیرش ارچه دل چون کبوترم / افکند و کشت و حرمت صید حرم نداشت

۴) هر آنکه روی چو ماهت به چشم بد بیند / بر آتش تو بجز چشم او سپند مباد

۱۶- در کدام گزینه «ی» مصدری وجود ندارد؟

- ۱) ملک پرسید که موجب خصمی اینان در حق تو چیست؟
- ۲) گفتمش بمهمانی حاتم چرا نروی که خلقی بر سماط او گرد آمده‌اند.
- ۳) صاحب‌دلی را گفتند بدین خوبی که آفتابست نشنیده‌ایم که کس او را دوست گرفته است.
- ۴) این بگفت و بر سپاه دشمن زد و تنی چند مردان کاری بینداخت.

منابع غیر درسی

۱۷- توضیح بخش مشخص شده در کدام گزینه درست نیست؟

- ۱) گرت سر به کار است پسیچ کار / در گنج بگشای و بریند بار: اگر مغزت کار می‌کند.
- ۲) چو دستور باشد مرا شهریار / به بد نگذرانم بد روزگار: اگر شاه با من موافق باشد.
- ۳) بیفکند شاهی شما را گزید / چنان کز ره نامداران سزید: سلطنت را رها کرد.
- ۴) دو پر خاشجو با یکی نیکخوی / گرفتند پرسش نه بر آرزوی: شروع به احوالپرسی کردند.

۱۸- کدام توضیح نادرست است؟

- ۱) چو از مادر مهربان شد جدا / سبک تاختندش بر پادشا
- برنده بدو گفت کای تاجور / یکی شاد کن دل به ایرج نگر: زادن ایرج
- ۲) برین گونه بگریست چندان به زار / همی تا گیا رستش اندر کنار
- زمین بستر و خاک بالین اوی / شده تیره روشن جهان‌بین اوی: کور شدن فریدون
- ۳) گرامیش دارید و نوشه خورید / چو پرورده شد تن روان پرورید
- چو از بودنش بگذرد روز چند / فرستید باز منش ارجمند: نامه فریدون به سلم و تور
- ۴) همان گنج‌ها را گشادن گرفت / نهاده همه رای دادن گرفت
- گشادن در گنج را گاه دید / درم خوار شد چون پسر شاه دید: خرج و بخشش‌های مادر فریدون

۱۹- در کدام بیت، سنتی اسطوره‌ای دیده نمی‌شود؟

- ۱) مر آن هر سه را نوز ناکرده نام / چو بشنیدم این شد دلم شاد کام
- ۲) پدر نوز ناکرده از ناز نام / همی پیش پیلان نهادند گام
- ۳) نهفته بجستی همه رازشان / شنیدی همه نام و آوازشان

۴) کنون نامتان ساختستیم نغز / چنان چون بیاید سزاوار مغز

۲۰- واژه مشخص شده در کدام گزینه با کسرۀ اضافه خوانده می شود؟

۱) بدانست شاه گران مایه زود / کز آمیختن رنگ نایدش سود

۲) چو خورشید بر تیغ گنبد کشید / نه آیین دژ بد نه دژبان پدید

۳) من اکنون به هوش دل و پاک مغز / یکی چاره سازم بدین کار نغز

۴) به پیلان گردونکش آن خواسته / بیر تا در شاه ناکاسته

۲۱- با توجه به متن شاهنامه، کدام یک از جفت واژه های زیر با هم قافیه نمی شوند؟

۱) سپرد / گرد (پهلوان) ۲) روی / خوی (عرق)

۳) خسروی / جادوی (سحر) ۴) بدکنش / تنش (بدن او)

۲۲- در کدام بیت ها بخش های مشخص شده به هم عطف نشده است؟

الف- ز پویدن جندل و رای خویش / سخن ها همه پاک بنهاد پیش

ب- سراینده باشید و بسیار هوش / به گفتار او بر نهاده دو گوش

ج- بدان ایزدی فر و فرزانی / به افسون شاهان و مردانگی

د- همه نیکنامی به و راستی / که کرد ای پسر سود در کاستی

۱) الف و ب ۲) الف و د ۳) ب و ج ۴) ج و د

۲۳- معنی کدام گزینه نادرست است؟

۱) سه پوشیده رخ را سه دیهیم جوی / سزا را سزا کار بی گفت و گوی: برای سه دختر نجیب، سه شاهزاده بی چون

و چرا لایق اند.

۲) اگر شد فریدون جهان شهریار / نه ما بند گانیم با گوشوار: اگر فریدون پادشاه جهان است، چنین نیست که ما

غلام های زر خرید باشیم.

۳) ز گوهر یمن گشت افروخته / عماری یک اندر دگر دوخته: از فراوانی جواهر یمن روشن و درخشان شد و

کجاوه های زیاد به دنبال هم روان شد.

۴) همه لشکر سلم همچون رمه / که پراگند روزگار دمه: لشکر سلم مانند گله ای بود که آن را در هوای گرم

پراکنده باشند.

۲۴- توضیح همه بیت ها بجز بیت درست است.

۱) فرستاده را گفت ره برنورد / نباید که یابد تو را باد و گرد: به فرستاده گفت: راه بیفت و عجله کن، مبادا اسیر

طوفان شوی.

۲) بسی روزگاران شدست اندرین / نکردیم بر باد بخشش زمین: مدت زیادی صرف این کار شد و کشور را بیهوده و نسنجیده تقسیم نکردیم.

۳) تو گر چاشت را دست یازی بجام / و گر نه خورند ای پسر بر تو شام: اگر زود دست به کار شوی، موفق می‌شوی و گرنه تو را از بین می‌برند.

۴) که با سلم و با تور گردان سپهر / نه بس دیر چین اندر آرد بچهر: فلک بزودی خشم خود را نسبت به سلم و تور آشکار می‌کند.

۲۵- توضیح مقابل کدام گزینه کاملاً درست است؟

۱) به پالیز پیش گل افشان درخت / بخفت این سه آزاده نیکبخت: «بخفت» فعل سوم شخص مفرد و نهاد آن، «این» است.

۲) برفت و پیامد به دروازه پیش / چنان چون سزا بد به آیین خویش: «به آیین» صفت است و در این جا جانشین اسم خود شده است.

۳) دوان آمد از بهر آزارتان / همان آرزومند دیدارتان: «از بهر آزارتان» در معنی «برای آزار رساندن به شما» و متمم است.

۴) ز دلشان همی خواست کاگه شود / ز بدها گمانیش کوه شود: گمانیش نهاد است برای جمله معلوم.

۲۶- قسمت مشخص شده در کدام بیت نادرست معنی شده است؟

۱) فرستاده بشنید گفتار اوی / زمین را ببوسید و بر گاشت روی: برگرداند

۲) که گوید که جان گرامی پسر / بهایی کند پیرگشته پدر: ارزشمند

۳) رسید آنکھی تنگ در شاه روم / خروشید کای مرد بیداد شوم: ستمگر

۴) منم بنده یی شاه را ناسزا / چنین بر تن خویش ناپادشا: نامسلط

۲۷- قسمت مشخص شده در کدام بیت درست معنی شده است؟

۱) از آن پس بدیشان نگه کرد شاه / که گشتند زیبای تخت و کلاه: زینت افزا

۲) کنون خواه تاجش ده و خواه تخت / شد آن شاخ گستر نیازی درخت: گرامی

۳) دو خونی همان با سپاهی گران / برفتند آگنده از کین سران: سرکردگان

۴) هنر خود دلیرست بر جایگاه / که بددل نباشد سزاوار گاه: بی‌هنر

۲۸- نتیجه حاصل از بیت در کدام گزینه درست نیست؟

۱) جهان چون بروبر نماند ای پسر / تو نیز آز مپرست و انده مخور: دنیا برای تو هم نخواهد ماند.

۲) و گر سر بیچم ز گفتار اوی / هراسان شود دل از آزار اوی: ترس تا نافرمان نشوی.

۳) مرا - گفت - اگر کارزارست کار / چه شیر دمنده چه جنگی سوار: فرق ندارد با چه کسی مبارزه کنم.

۴) سپهری که پشت مرا کرد کوز / نشد پست، گردان بجایست نوز: شما هم پیر می شوید.

۲۹- توضیح کدام گزینه درست است؟

۱) پادشاهی را شنیدم بکشتن اسیری اشارت کرد. بیچاره در آن حالت نومیدی ملک را دشنام دادن گرفت و سقط گفتن که گفته‌اند هر که دست از جان بشوید، هر چه در دل دارد بگوید: ترس از هلاک شدن موجب فاش کردن راز است.

۲) پدر را از این حال آگهی دادند. برادرانش را بخواند و گوشمالی بواجب بداد. پس هر یکی را از اطراف بلاد حصه معین کرد تا فتنه بنشست و نزاع برخاست که ده درویش در گلیمی بخشبند و دو پادشاه در اقلیمی نگنجند: دعوی قدرت مانع رفاقت است.

۳) هرمز را گفتند وزیران پدر را چه خطا دیدی که بند فرمودی؟ گفت خطایی معلوم نکردم ولیکن دیدم که مهابت من در دل ایشان بیکرانست و بر عهد من اعتماد کلی ندارند. ترسیدم از بیم گزند خویش آهنگ هلاک من کنند: ترس برادر مرگ است.

۴) ... تا بجایی که خلق از مکاید فعلش بجهان برفتند و از کربت جورش راه غربت گرفتند. چون رعیت کم شد، ارتفاع ولایت نقصان پذیرفت و خزانه تهی ماند و دشمنان زور آوردند: کاهش رعیت عامل کاهش شهرت است.

۳۰- در کدام گزینه مضمونی متفاوت با سه گزینه دیگر مطرح است؟

۱) ابر اگر آب زندگی بارد / هرگز از شاخ بید بر نخوری

۲) کس نیاید به زیر سایه بوم / و رهمای از جهان شود معدوم

۳) شمشیر نیک از آهن بد چون کند کسی / ناکس بتربت نشود ای حکیم کس

۴) زمین شوره سنبل برنیارد / درو تخم و عمل ضایع مگردان

۳۱- توضیح کدام متن نادرست است؟

۱) درویشی را شنیدم که بغاری در نشسته بود و در بروی از جهانیان بسته و ملوک و اغنیا را در چشم همت او شوکت و هیبت نمانده: به سبب عدم تعلق، ثروت و قدرت برایش ارزشمند نبود.

۲) گفته‌اند رزق اگر چه مقسومست، باسباب حصول تعلق شرطست و بلا اگر چه مقدور از ابواب دخول آن احتراز واجب: برای روزی باید کوشید و از اسباب و عوامل گرفتاری باید دوری کرد.

۳) حکیمان گفته‌اند آب حیات اگر فروشد فی‌المثل به آبروی دانا نبرد که مردن بعلت به از زندگانی بمذلت: مرگ در اثر بیماری بهتر از زندگی با خواری است.

۴) هر آن دشمنی را که با وی احسان کنی دوست گردد مگر نفس را که چندانکه مدارا بیش کنی مخالفت زیادت کند: دشمن کینه‌ورز هیچ گاه دوست نخواهد شد.

۳۲- کدام عبارت کامل نیست؟

- ۱) تلک گفت: من بروم و این خدمت بکنم تا شکر نواخت و نعمت گزارده باشم و دیگر که من از هندوستانم و وقت گرم است و در آن زمین من راه بهتر برم اگر رای عالی بیند
- ۲) رقعتی از خویش بنویس بوی و بگوی که امشب آن نامه‌ها را که فرموده‌ایم نسخت باید کرد و بیاض نباید کرد
- ۳) خواجه بزرگ احمد حسن بد بود با این احمد بدان سبب که پیش ازین باز نموده‌ام که وی قصدها کرد در معنی کالای وی بدان وقت که آن مرافعه افتاد با وی
- ۴) فضل گفت: دل مشغول مدار که من درایستم و اگر جانم بشود تا این کار بصلح راست شود

۳۳- توضیح کدام گزینه درست است؟

- ۱) ده هزار گوسپند از آن من که بدست وی است میش و بره در ساعت که این نامه بخواند در بها افکند: بفروشد
- ۲) خلوتی کرد امیر با وزیر و صاحب دیوان رسالت و رای زدند در معنی حرکت و قرار گرفت بدانکه سوی مرو رفته آید و برین باز پراگندند: با این توافق مجلس را ترک کردند.
- ۳) هزیمت شدند و بر جانب بیابان نه گنبدان برفتند. دیگر روز خبر رسید که ایشان نیک میانه کردند: با هم آشتی کردند.
- ۴) فوجی ترکمانان قوی بحدود ترمذ آمدند و بقبادیان بسیار فساد کردند و غارت و چهارپای براندند: تاخت و تاز کردند.

۳۴- جاهای خالی با کدام گزینه بدرستی پر می‌شود؟

و اگر با آن نفس و خرد و همت، بودی نیکوتر نمودی که عظامی و عصامی بس نیکو باشد. ولکن یک پیشیز نیرزد چون فضل و ادب نفس و ادب درس ندارد و همه سخنش آن باشد که پدرم چنین بود.

۱) فضل - عظامی ۲) فضل - عصامی ۳) اصل - عظامی ۴) اصل - عصامی

۳۵- کدام فعل با توجه به معنا نادرست به کار رفته است؟

- ۱) و احمد ینالتگین سخت قوی دل شد و با غازیان و لشکر لوهوور رفت و خراجها از تکران بتمامی بستد و در کشید و از آب گنگ گذاره شد.
- ۲) امیر غادری فرا کرد تا برادرت را از بام بینداخت و بکشت.
- ۳) امیر درین وقت بباغ صد هزاره بود، خلوتی کرد با سپاه‌سالار و اعیان و حشم و رای خواست تا چه باید کرد در برنشاندن فتنه این خارجی و عاصی.

۴) مخالف برافتد بی‌ناز و سپاس ایشان و تو وجیه‌تر گردی که این قوم را هیچ خوش می‌نیاید که ما مردی را برکشیم تا همیشه نیازمند ایشان باشیم و ایشان هیچ کار نکنند.

۳۶- توضیح کدام گزینه درست است؟

۱) این تلک مردی جلد آمد و اخلاق ستوده نمود و آن مدت که عمر یافت زیانیش نداشت که پسر حجامی بود: آسیبی نیافت زیرا پدرش حجام بود.

۲) چنان باید که تو نیز که طاهری، تدبیر این کار پوشیده بسازی و ببهانه آنکه عرض خواهی کرد، ایشان را فروگرفته آید: گزارش خواهی کرد.

۳) و نامه‌ای است توقیعی با وی فراخ نبشته در معنی شغل‌های آن جانب بر کاغذ بزرگ: مفصل.

۴) مثال دادم تا گوسپندان من بفروشند تا اگر چه بارزان به‌تر بفروشند باری چیزی بمن رسد و خیرخیر غارت نشود: بیهوده.

۳۷- در همه گزینه‌ها فعلی وجود دارد که دلالت بر شروع امری می‌کند جز گزینه

۱) رشید بر مغایظه یحیی علی عیسی را بخراسان فرستاد و علی دست بر گشاد و مال بافراط برستدن گرفت.

۲) و بگتگین بتفت میراند. بحدود شبورقان بدیشان رسید و جنگ پیوستند از چاشتگاه تا بگاه دو نماز.

۳) بنده چون خبر یافت، ساخته با غلامان خویش و لشکر بتاختن رفت.

۴) چون این نامه بدو رسید، بادی در سر کرد و بدگمان شد و آغازید آب عبدالجبار را خیرخیر ریختن.

۳۸- جای خالی با کدام گزینه بدرستی پر می‌شود؟

و روز یکشنبه نهم این ماه نامه ری رسید بگذشته شدن بوالحسن سیاری.

۱) حاجب ۲) صاحب برید ۳) خیل‌تاش ۴) رکابدار

۳۹- بر اساس متن زیر کدام گزینه درست است؟

پس از آن {هارون الرشید} اختیار چنان کرد که بخراسان امیری فرستد و اختیارش بر علی عیسی بن ماهان افتاد و با یحیی بگفت و رای خواست. یحیی گفت: علی مردی جبار و ستمکارست و فرمان خداوند راست - و خلل بحال آل برمک راه یافته بود - رشید بر مغایظه یحیی علی عیسی را بخراسان فرستاد و علی دست بر گشاد و مال بافراط برستدن گرفت و کس را زهره نبودی که باز نمودی. و منهیان سوی یحیی می‌نشتند، او فرصتی نگاه داشتی و حیل‌تی ساختی تا چیزی از آن بگوش رشید رسانیدی و مظلومی پیش کردی تا ناگاه در راه پیش خلیفه آمدی و البته سود نمی‌داشت، تا کار بدان منزلت رسید که رشید سوگند خورد که هر کس که از علی تظلم کند آن کس را نزدیک وی فرستد و یحیی و همه مردمان خاموش شدند.

۱) رشید مطابق نظر وزیر خویش علی عیسی را حاکم خراسان کرد.

- (۲) رشید به گزارش‌های رسیده دربارهٔ ستم‌های علی عیسی گوش نمی‌داد.
 (۳) رشید سوگند خورد که هر کس به علی عیسی ظلمی کند سزایش را خواهد داد.
 (۴) یحیی خود شخصیت ظالمی بود اما در برابر رشید خود را مظلوم جلوه می‌داد.

۴۰- در کدام گزینه کنایه به کار نرفته است؟

- (۱) الا تا نیچی سر از عدل و رای / که مردم ز دست نیچند پای
 (۲) بهل تا به دندان برد پشت دست / تنوری چنان گرم و نان درنست
 (۳) به سرهنگ دیوان نگه کرد تیز / که نطعش بینداز و ریگش بریز
 (۴) رعیت چو بیخند و سلطان درخت / درخت ای پسر باشد از بیخ سخت

۴۱- مفهوم کدام دو بیت بیشتر به هم نزدیک است؟

- الف- صواب است پیش از کشش بند کرد / که نتوان سر کشته پیوند کرد
 ب- سر گرگ باید هم اول برید / نه چون گوسفندان مردم درید
 ج- که پرورده کشتن نه مردی بود / ستم در پی داد سردی بود
 د- نظر کن چو سوفار داری به شست / نه آنکه که پرتاب کردی ز دست

(۱) الف و د (۲) الف و ب (۳) ب و ج (۴) ج و د

۴۲- کدام گزینه از بیت‌های زیر برداشت نمی‌شود؟

- سپاهی که عاصی شود در امیر / ورا تا توانی به خدمت مگیر
 ندانست سالار خود را سپاس / تو را هم ندارد ز غدرش هراس
 به سوگند و عهد استوارش مدار / نگهبان پنهان بر او برگمار
 نوآموز را ریسمان کن دراز / نه بگسل که دیگر نیایش باز

(۱) لزوم بی‌اعتمادی (۲) احتمال پیمان‌شکنی (۳) توصیه به احتیاط (۴) نکوهش جاسوسی

۴۳- تعداد جمله‌ها در کدام گزینه تفاوت دارد؟

- (۱) دگر مرکب عقل را پویه نیست / عنانش بگیرد تحیر که بیست
 (۲) به مردی که ملک سراسر زمین / نیززد که خونی چکد بر زمین
 (۳) مرا گله‌بانی به عقل است و رای / تو هم گله‌خویش داری پبای
 (۴) گه از کار آشفته بگریستی / که کس دید از این تلخ‌تر زیستی

۴۴- کدام گزینه بدرستی بیت زیر را کامل می‌کند؟

- چو دست از همه درگسست / است بردن به شمشیر دست

(۱) حیلتی، حلال (۲) حربه‌ای، غریب (۳) حکمتی، محال (۴) کینه‌ای، جواز

۴۵- توضیح کدام گزینه نادرست است؟

- ۱) بتندی سبک دست بردن به تیغ / به دندان برد پشت دست دریغ: پشیمانی نتیجه شتابکاری است.
- ۲) میازار پرورده خویشتن / چو تیر تو دارد به تیرش مزن: کسی را که به تو امان داده، میازار.
- ۳) مرو با سر رشته بار دگر / مبادا که دیگر کند رشته سر: کاری را که گرفتارت می‌کند، تکرار نکن.
- ۴) به است از دد انسان صاحب خرد / نه انسان که در مردم افتد چو دد: انسان ستمگر از حیوان وحشی بدتر است.

۴۶- «تدبیر»ی که در بیت زیر پیشنهاد شده، در کدام گزینه آمده است؟

اگر دشمنی پیش گیرد ستیز / به شمشیر تدبیر خونس بریز

- ۱) چو دشمن به دشمن بود مشغول / تو با دوست بنشین به آرام دل
- ۲) برو دوستی گیر با دشمنش / که زندان شود پیرهن بر تنش
- ۳) چو در لشکر دشمن افتد خلاف / تو بگذار شمشیر خود در غلاف
- ۴) بداندیش را لفظ شیرین مبین / که ممکن بود زهر در انگبین

۴۷- تعداد جمله‌های کدام گزینه کمتر است؟

- ۱) به حکم نظر در به افتاد خویش / گرفتند هر یک یکی راه پیش
- ۲) بیندیش از آن طفلک بی‌پدر / وز آه دل دردمندش حذر
- ۳) گرفتم کز افتادگان نیستی / چو افتاده بینی چرا نیستی
- ۴) رطب ناورد چوب خرزهره بار / چو تخم افکنی بر همان چشم‌دار

۴۸- واژه «فتوح» در کدام گزینه معنایی متفاوت دارد؟

- ۱) و آن سال چندان فتوح بود که بیرون خرج خانقاه چند مستغل نیکو از جهت خانقاه راست شد و هیچ سال ما را معیشت بدان فراخی و خوشی نبود.
- ۲) یک روز پیش شیخ آمدم و سلام گفتم و بنشستم. شیخ گوشه سجاده برداشت و مثنی مویز طایفی از زیر سجاده بیرون کرد و گفت: صوفیان را فتوحی بوده است طرسوس کرده‌اند (تقسیم کرده‌اند)، ما حصه (سهم) شما اینجا نهادیم.
- ۳) و عادت چنان بودی شیخ را که هر بار که به گرمابه فروشدی ده درم سیم فتحی بردی به گرمابه. و حسن (پیشکار شیخ) پیوسته با خویش چیزی داشتی برای کرا و نفقات راه و اگر چیزی فتوح بودی هم حسن داشتی و به اشارت شیخ خرج می‌کردی.
- ۴) من پیش او [شیخ] شدم و به خدمت او بایستادم و مرا در خدمت او بسی روشنایی بود و فتوح در راه دین.

۴۹- کدام توضیح نادرست است؟

- ۱) زمین بساط حق است. من روا ندارم که بر بساط حق تعالی با کفش و پای افزار روم: گفته بشر حافی است.

۲) از عقلاء مجانین بوده است و در ابتدا مجاهدت‌های بسیار داشته است و معاملتی با احتیاط. آنگاه ناگاه کشفی ببودش که عقلش بشد: منظور لقمان سرخسی است.

۳) و بیشتر وقتها که مردمان میهنه او [ابوسعید] را در کوه و بیابان دیدندی، با پیری مهیب و سپیدجامه دیدندی ... از وی سؤال کردند که ای شیخ ما ترا در آن وقت با پیری مهیب می‌دیدیم، آن پیر کی بود؟ آن پیر بایزید بسطامی است.

۴) هر چه از کتب خوانده بود و نبشته و جمع کرده، جمله در زیر زمین کرد و بر زور آن کتابها دکانی کرد: درباره ابوسعید ابوالخیر است.

۵۰- کدام بخش مشخص شده جزو اصطلاحات تصوف نیست؟

۱) شیخ ما گفت: یک روز گلی بود بنیرو و ما را دل تنگ بود و وقت بسته بود. و ما بیامدیم و برین در سرای بنشستیم.

۲) بازین همه از آن حالت قبضی به ما درآمد، بر آن نیت جامع قرآن بازگرفتیم، این آیت برآمد.

۳) حق سبحانه و تعالی به کمال فضل و کرم خویش و به برکات تربت‌های مشایخ ماضیه و به همت‌های مشایخ و عزیزان مانده این بلا دفع کرده است.

۴) و بزرگان عالم که به حکم زیارت به میهنه آمدندی، از آن تبرک زله کردند.

۵۱- توضیح کدام گزینه نادرست است؟

۱) خاطرم بر آن قرار گرفت که یک شب او را گوش دارم تا کجا می‌شود و در چه کارست: مراقب باشم.

۲) چون پادشاه بر وی اعتماد فرمود ... اکنون آن همه خدمت‌های سخت و خطرهای جان و مشقت‌ها درباقی شد: کنار گذاشته شد.

۳) و مشایخ گفته‌اند که می‌باید در خراسان هر کجا بلایی و فتنه‌ای باشد و خواهد بود روی به نسا نهد که چون آنجا رسد، هر آینه برسد: بالا می‌گیرد.

۴) آن پیر فراز آمد و بر ما سلام کرد و [حکایتی] گفت. شیخ ما گفت واقعۀ ما از آن پیر حل شد و کار بر ما گشاده گشت: مشکل

۵۲- پیام محوری حکایت زیر کدام است؟

شیخ ما گفت: ... کودکی دیدیم که گاو می‌راند و زمین همی‌شورید و پیری با کنار تخم ارزن می‌پاشید، چون مدهوشی. و هر ساعتی روی سوی آن تربت کردی و نعره‌ای بزدی. ما را در سینه اضطرابی پدید آمد از آن پیر. آن پیر فراز آمد و بر ما سلام کرد و گفت: «باری ازین پیر بر توانید داشت؟» گفتیم: «ان شاء الله تعالی.» گفت: این ساعت بر دل ما گذر می‌کند که اگر خداوند تبارک و تعالی این دنیا را که بیافرید در وی هیچ خلق نیافریدی، آنگاه این دنیا را پر

ارزن کردی بجملگی، از شرق تا غرب و از سمان تا زمین و آنگاه مرغی بیافریدی و گفتی: هر هزار سالی از این یک دانه رزق توست و یک کس بیافریدی و سوز این معنی در سینه وی نهادی و با وی خطاب کردی که: تا این مرغ این عالم ازین ارزن پاک نکند، تو به مقصود نخواهی رسید و درین سوز و درد خواهی بود، هنوز زود کاری بودی.

(۱) نو میدی از وصال (۲) استقامت در طلب (۳) توکل در وصال (۴) خوف حاصل از هجران

۵۳- در کدام گزینه نوع و شکل بیان تمثیلی متفاوت است؟

- (۱) هر که با خداوند خویش لجاج کند، پیش از اجل بمیرد که با درفش مشت زدن ابلهی بود.
- (۲) اما یکباره دست عمال فرو میند که چون چربو از پانه دریغ داری، کبابت خام آید.
- (۳) تا رنج کهری بر خویشان نهدی، باسایش مهتری نه رسی که برگ نیل تا پوسیده نشود، نیل نشود.
- (۴) پس چیز خداوند نگاه دار و اگر بخوری، بدو انگشت خور تا در گلو بنماند.

۵۴- کدام دو عبارت از نظر معنایی با یکدیگر شباهت دارند؟

- الف- چون ظفر یافتی از پس هزیمتی بسیار مرو که در رجعت بسیار خطاها افتد.
 - ب- واندر حرب دلیر مباش که از دلیری خویش لشکر خویش بر باد دهی و نیز بددل مباش که از بددلی خویش لشکر خویش را منهزم گردانی.
 - ج- اگر جنگ بتو افتاده باشد، کرار غیر فرار باش.
 - د- بوقتی که مصافی ییفتد، اگر جای تو نه نیک باشد، بمثل پس از تو بیک گام جای نیک باشد، زینهار تا آن گام باز پس نهدی که اگر بیک گام مصاف باز پس بردی، در وقت ترا هزیمت باشد.
- (۱) الف و ب (۲) ج و د (۳) الف و ج (۴) ب و د

۵۵- در کدام گزینه عبارت مشخص شده بدرستی معنی شده است؟

- (۱) و احمد بن رافع را با عبدالجبار خوجانی دوستی بود سخت بی‌مالمحتی: خالصانه
- (۲) چون از هر نوعی طرفی گفتم، اگر بگوش دل بشنوی، ترا از آنجا استخراجها اوفتد: بهره‌ها
- (۳) پس این مزور کردن کاری بزرگست، ازان پرهیز: خود را به ریاکاری نمایاندن
- (۴) و شجاع‌ترین سالاری با نیک‌ترین قومی اندر جناح لشکر بدار که پشت لشکر ایشان باشند که در جناح باشند: ساقه لشکر

۵۶- تمثیل زیر از قابوسنامه در باب کدام فرد صادق است؟

نبینی که چون کشتها و پالیزها را آب دهند، اگر جوی کشت و پالیز [تر و آب خورده بود زود آب بکشت و پالیز] رساند، از آنچه خاک او آب بسیار نخورد و اگر زمین آن جوی خشک بود و

دیرگاه بود تا آب اندر وی نگذشته بود، چون آب بدو فروگذارند تا نخست تر و سیراب نگردد، آب بکشت و پالیز نرساند.

(۱) عامل بی‌نوا (۲) مطرب نیندخواره (۳) وزیر معاملات ناشناس (۴) دبیر مجاور حضرت

۵۷- در کدام گزینه مفهوم جمله زیر بدرستی بیان شده است؟

تا توقیع خویش را بزندگان خویش روان نگردانی، خود پس از تو، بتوقیع تو کسی کار نکند.

- (۱) اگر نامه‌های تو در حضور تو فرستاده نشوند، در غیبت تو کسی بدین کار اقدام نمی‌کند.
- (۲) دیوان رسائل را به فرمان خویش بدار تا پس از تو کارها از نظم و نسق نیفتد.
- (۳) اگر حکم تو در زندگانی‌ات اجرا نشود، پس از مرگت نیز اجرا نخواهد شد.
- (۴) مبادا در روزگار حیات به فکر آخرت خویش نباشی، زیرا پس از درگذشت تو کسی به آخرت تو نمی‌اندیشد.

۵۸- کدام بیت ادامه منطقی بیت زیر است؟

جمله گفتند ای عجب چون آفتاب / ذره‌ای محو است پیش این جناب

- (۱) جمع می‌دیدند حیران آمده / همچو ذره پای کوبان آمده
- (۲) کی پدید آییم ما این جایگاه / ای دریغا رنج‌برد ما به راه
- (۳) برق استغنا همی افروختی / صد جهان در یک زمان می‌سوختی
- (۴) مدتی شد تا درین ره آمدم / از هزاران سی به درگاه آمدم

۵۹- معنی کدام گزینه نادرست است؟

- (۱) چون ستاره ره نماید در جهان / سی درون ذره‌ای چون شد نهان: وقتی ستاره راهها را به جهانیان نشان می‌دهد، چگونه سی دندان مانند ستاره در درون دهان مانند ذره او پنهان و گم شد؟
- (۲) بود بر شکل کمانش ابرویی / خود کجا بُد آن کمان را بازویی: ابرویی به شکل کمان داشت و هیچ کس نمی‌توانست خم به ابروی او بیاورد.
- (۳) سایه‌وان آفتابش مشک بود / آب حیوان بی‌لبش لب خشک بود: موی سیاه و خوشبو سایه بر چهره زیبایش انداخته بود و بدون لب او آب حیات تشنه بود و خاصیتی نداشت.
- (۴) هر شکن در طره آن سیم تن / صد جهان جان را به یکدم صف‌شکن: هر پیچ و تاب که در موی آن زیباروی سپیداندام وجود داشت، جان‌های بسیاری را در یک لحظه مغلوب می‌کرد.

۶۰- کدام بیت ایهام تناسب دارد؟

- (۱) پرده از ناسازگاری باز کرد / گریه و بدمستی‌ای آغاز کرد
- (۲) بوده دایم از شراب وصل مست / در خمار وصل چون داند نشست
- (۳) نرگس افسونگرش در دلبری / کرده از هر مژه‌ای صد ساحری

(۴) مانده‌ام در چاه زندان پای‌بست / در چنین چاهم که گیرد جز تو دست

۶۱- در همه گزینه‌ها فعل اول شخص جمع آمده است بجز

(۱) چون پذیرفتیم رد نتوانش کرد / این بگفت و همچو خود سلطانش کرد

(۲) بهتر آن باشد که چون مرغان ز دام / دور می‌باشیم از هم والسلام

(۳) عمر در اندوه تو بردم به سر / کاشکی بودیم صد عمر دگر

(۴) پوستش کردیم سرتاسر برون / بر سر دار است اکنون سرنگون

۶۲- کدام گزینه برای جای خالی مناسب‌تر است؟

گر به روز آن پیدا آمدی / صد قیامت آشکارا آمدی

(۱) ماه (۲) مهر (۳) روز (۴) مست

۶۳- در کدام گزینه «گفت» متفاوت است؟

(۱) کار آمد حصه مردان مرد / حصه ما گفت آمد اینت درد

(۲) وصف شست زلف آن یوسف جمال / هیچ نتوان گفت در پنجاه سال

(۳) وصف او در گفت چون آید مرا / چون عرق از شرم خون آید مرا

(۴) کاین شنو بر گفت چون دارد شرف / در سخن کی کردم عمری تلف

۶۴- کدام بیت با این داستان سازگار نیست؟

صوفی می‌رفت چون بی‌حاصلی / زد قفایی محکمش سنگین‌دلی

با دلی پر خون سر از پس کرد او / گفت «آنک از تو قفایی خورد او،

قرب سی سال است تا او مرد و رفت / عالم هستی به پایان برد و رفت»

مرد گفتش «ای همه دعوی نه کار / مرده کی گوید سخن شرمی بدار»

(۱) تا که تو دم میزنی همدم نه‌ای / تا که مویی مانده‌ای محرم نه‌ای

(۲) نیست چون محرم نفس این جایگاه / در نگنجد هیچ کس این جایگاه

(۳) تا نگردي بی‌خبر از جسم و جان / کی خبر یابی ز جانان یک زمان

(۴) گر تو را یکدم چنین دردیستی / در بن هر موی تو مردیستی

۶۵- کدام گزینه بدرستی معنا شده است؟

(۱) و آن حسد به عداوت انجامید و کار به درجه‌ای رسید که پیوسته او را در حضرت خلافت تضریب کردند:

کار به جایی کشید که از فرط حسادت و دشمنی، در حضور خلیفه او را مدام به زخم تازیانه می‌آزردند.

۲) خواستم که افعال و احوال تو مشاهده کنم و از اوراد و اذکار تو استکشافی نمایم، و چون مشاهده کردم زیادت اجتهادی ندیدم که تو مقاسات نمودی: خواستم که حال تو را از نزدیک بینم و از دعاهایی که می‌خوانی و ذکرهایی که می‌گویی، آگاه شوم، اما ندیدم که در این راه رنج چندانی متحمل شوی.

۳) خدای عزوجل مرا از مکاره نگاه دارد، و تیر قصد حاسدان بر من نافذ نگرداند: پروردگار مرا از مکر و حسد بدخواهان حفظ کند و نیت ایشان را در حق من به فعل نرساند.

۴) طمع که از دندان‌زنی ایام دندان کند داشت، چون از نواله نوالش به کام رسید، به شکر حصول امل زبان‌دراز شد: طمع که به سبب نحوست روزگار، ناامید شده بود، چون به وصالش رسید، به شکرانه برآورده شدن آرزویش به سخن آمد.

۶۶- رابطه معنایی کلمات در کدام ترکیب عطفی مشخص شده متفاوت است؟

- ۱) یکی از زاهدان مسیح‌وار در اطراف زمین سیاحت می‌کرد و از برای استبصار و اعتبار در غور و کوه می‌گشت.
- ۲) آورده‌اند که یکی از ملوک اکاسره بارعام فرمود و بسیار کس از وضع و شریف در مجلس او حاضر شدند.
- ۳) حرص و امل دو خصلت ذمیم‌اند و دو صورت لئیم. راهزنان مفاوز فوز و نجاتند و ربایندگان نقد عزیز حیات.
- ۴) پس وزیر روزی چند در آن ولایت مقام کرد، و پیوسته کسان او برای بیع و شری به شهر رفتندی.

۶۷- مفهوم کدام گزینه نادرست است؟

۱) نهال امیدشان را به لواقع لطف بارور می‌گرداند، لاجرم انوار ثنا و ثمار مدایح ایشان در اقطار جهان منتشر می‌گردد: به سبب آنکه ممدوح امید ایشان را با لطف خود به بار می‌نشانند، ایشان نیز مدح و ستایش او را در سراسر جهان منتشر می‌کنند.

۲) ای از شره طبیعت هزار باطل را در لباس حق به خلقان نموده، ناموس و سالوس تو دمار از نفس منحوس من برآورد: حيله‌گری و ریاکاری تو که از سر طمع در کار فریب مردم هستی، نفس شوم مرا به نابودی کشاند.

۳) چون بر احوال او واقف گشت، گفت: ترا در حد من ساکن می‌باید بود و به نیل مقاصد و نصح مآرب امیدوار بودن: وقتی از حال او آگاه شد، گفت باید در سرزمین من اقامت کنی و امیدوار باشی که به مقصود خود می‌رسی و حاجات تو برآورده می‌شود.

۴) بر اسب سؤال سوار گشته، حقوق عصا و جراب می‌گذارند و به قلم طمع بر صفحات روی نقش مذلت می‌نگارند: با پرسش در محضر پیران خدمت آنان می‌کنند و بدین وسیله طمع را به خواری و مذلت می‌کشانند.

۶۸- در جملات زیر چند اسم جمع بسته شده‌اند؟

آورده‌اند که در مبادی ایام که مثال جلالت داود علیه‌السلام به توقیع یا داود انا جعلناک خلیفه فی الارض موشح گشته بود و جملگی طوایف بنی اسرائیل رقبه در رقبه طاعت او آورده، یکی از

عادات او آن بود که چون شب درآمدی و فراشان فضا بساط قیرگون در بسیط هوا بگستردندی، داود علیه‌السلام متنکروار بیرون آمدی و بر هر کس که برگذشتی، از وی سؤالی کردی که: سیرت داود با شما چگونه است و از گلبن مملکت او نصیب شما گلست یا خار؟

(۱) ۴ اسم (۲) ۵ اسم (۳) ۶ اسم (۴) ۷ اسم

۶۹- مفهوم کدام گزینه بدرستی بیان شده است؟

- (۱) سودا با صفرا در آمیخت و آتش بر سرش بردوید (به سبب آمیزش اخلاط، به تب مبتلا شدن)
- (۲) کلاه جسته و دستار به باد داده؛ سر طلبیده، گوش از دست شده (در طلب بیشی، کم خود را از دست دادن)
- (۳) چشم عبرت‌بین ما را سرمه اندر هاونست (فراهم بودن همه اسباب و لوازم برای عبرت گرفتن)
- (۴) ادب رسول عظمت و بزرگی مرسل تقاضا کند (بهره یافتن فرستاده از عطای بزرگان به سبب ادب)

۷۰- جای خالی با کدام گزینه بدرستی پر می‌شود؟

وان دست که پیش آرزوی دل / دیوار کشد به در گیرم

(۱) نام (۲) نامه (۳) خام (۴) خامه

۷۱- کدام بیت باوری نجومی را در بر دارد؟

- (۱) کلک از کف تیر سرنگون گردد / چون من ز خدنگ خامه سر گیرم
- (۲) پیش غم دهر و تیربارانش / این عیش تباه را سپر گیرم
- (۳) وین ابره ازرق مکوکب را / زانصاف دورویه آستر گیرم
- (۴) وانگاه به سطح طارم اطلس / با دلبر دست در کمر گیرم

۷۲- در کدام بیت وزن هر دو مصراع دقیقاً یکسان است؟

- (۱) از من گرفت گیتی یارم را / وز چنگ من ربود نگارم را
- (۲) یک سو سرشک و یک سو داغ دل / پر باغ لاله ساخت کنارم را
- (۳) گیتی گنه نکرد و گنه دل کرد / کین گونه کرد سنگین بارم را
- (۴) باری بران سرم که ازین سینه / بیرون کنم دل بزه کارم را

۷۳- فاعل «آورند» در همه بیت‌ها یکسان است بجز بیت

- (۱) چون رگ زنان چابک بی گفته پزشک / بهر گشودن رگ من نشتر آورند
- (۲) در آستین راست چو گیرم سراغشان / چابک ز آستین چیم سر بر آورند
- (۳) آن ناکسان چراغ چو دیدند و جنبش / خامش شوند و تن به حجاب اندر آورند
- (۴) من نیز با چراغ بلاغت به جانشان / اخگر زخم اگرچه تن از اخگر آورند

۷۴- کدام گزینه دربارهٔ قصیدهٔ «لزنیه» درست نیست؟

- (۱) شاعر طبیعت میهن را مقدمه‌ای می‌کند برای پرداختن به تاریخ میهن.
- (۲) تحقیر دشمنان ایران از مضامین این قصیده است.
- (۳) شاعر از به کارگیری نام‌ها و واژه‌های فرنگی پرهیز نکرده است.
- (۴) در کنار دیگر شیوه‌های بیانی چندین بار از اسلوب معادله بهره جسته است.

۷۵- تعداد فعل‌ها در کدام گزینه‌ها برابر است؟

- الف- آلوده گشت چشمه به پوز پلید سگ / ای شیر تشنه میر که آبشخوری نماند
ب- زیرا پس چند قرن چون خورشید / بیرون شده از میان اقرانم
ج- یاران قسم به ساغر می‌کاندردین بساط / پر ناشده ز خون جگر ساغری نماند
د- ای توسن عاطفت سبکتر چم / وی طایر آرزو فروتر پر
ه- امروز چنان شدم که بر کاغذ / آزاد نهاد خامه نتوانم

(۱) الف و ه (۲) ج و د (۳) ب و ه (۴) ب و ج

۷۶- بخش مشخص شده در کدام گزینه از اجزای معروف یک تلمیح نیست؟

- (۱) صاحب‌دلی چو نیست چه سود از وجود دل / آینه گو مباش چو اسکندری نماند
- (۲) آن آتش که خاک وطن گرم بود از آن / طوری به باد رفت کز آن اخگری نماند
- (۳) وطن چاهسار است و بند عزیزان / بمان تا عزیزی ز چاهی برآید
- (۴) آزاده بود سوسن گردن کشید ازان / نرگس که بود خودبین پشتش فرو خمید

۷۷- در داستان «دست تاریک، دست روشن»، راوی و حاجی‌پور به ترتیب به چه قصدی راهی

سفر می‌شوند؟

- (۱) ملاقات اقوام مادری - دیدار ماه‌دخت
- (۲) پنهان شدن - خبر گرفتن از وضعیت انبارهای غله
- (۳) پیدا کردن جایی برای نوشتن - یافتن دفینه
- (۴) خبر گرفتن از وضعیت اصلاحات ارضی - جمع‌آوری قصه‌های بومی

۷۸- بر اساس داستان «نقاش باغانی» کدام گزینه درست است؟

- (۱) شیوهٔ روایت جریان سیال ذهن و راوی اول شخص شرکت‌کننده است.
- (۲) راوی داستان به هنر متعهد پایبند است و بر نقش اجتماعی هنر تأکید می‌کند.
- (۳) شخصیت نقاش باغانی را می‌توان نماد هنرمندی دانست که خود را از قید تعهدات اجتماعی رها کرده است.
- (۴) در گفت‌وگوها از شکسته‌نویسی استفاده شده است و نویسنده به مسئلهٔ تمایز لحن توجه دارد.

۷۹- در داستان «دست تاریک، دست روشن»، با توجه به توصیفات راوی از وقایع، به نظر می‌رسد او حسرت کدام یک از کارهای نکرده زیر را می‌خورد؟

- (۱) نوشتن
(۲) چاپ نکردن آثار حاجی‌پور
(۳) قطع ارتباط با رفقای قدیمی
(۴) سراغ نگرفتن از حاجی‌پور پس از سفر اول

۸۰- در داستان «گرگ» رابطه بین اختر (زن دکتر) و گرگ را در قالب کدام رابطه نمی‌توان تعریف کرد؟

- (۱) طعمه و شکارچی
(۲) باروری و نرینگی
(۳) نقاش و نقش
(۴) سرسپرده و تسخیرگر

۸۱- در داستان «حریف شبهای تار» چه عاملی محرک آغاز روایت است؟

- (۱) بی‌خوابی راوی
(۲) خبر خودکشی اعضای یک خانواده
(۳) ترس راوی از خودکشی
(۴) اشتیاق برای شرط‌بندی با مرگ

۸۲- مضاف ضمیرهای پیوسته «ت» در مصراع اول، در کدام گزینه درست است؟

- بختم به سودای تنت، ره می‌زند سوی منت / تا آورد در گردنت، دستی که بر سر می‌زند
(۱) تن - من
(۲) سودا - ره
(۳) تن - ره
(۴) سودا - من

۸۳- کدام گزینه مفهوم بیت زیر را می‌رساند؟

هر چند خط کشیده بر آیینه‌ات زمان / در چشمم از تمامی خوبان سری هنوز

- (۱) زیبایی مخاطب در عین پیری
(۲) شهادت مخاطب و زندگی جاودان او
(۳) نادیده گرفته شدن در عین جلوه‌گری
(۴) ناپیدا شدن مخاطب در عین بصیرت

۸۴- نهاد مصراع دوم کدام است؟

- تصویر آن شیرین دهن خود بر نمی‌تابد سخن / هست اینقدر کز عشق من، طرحی به دفتر می‌زند
(۱) طرح
(۲) تصویر
(۳) شیرین‌دهن
(۴) سخن

۸۵- بیت زیر بر چه مفهومی دلالت می‌کند؟

نسخ و تعلیق من از سرمشقی ست / که مرا حک شده بر پیشانی ست

- (۱) تقدیر
(۲) بدنامی
(۳) بی‌سامانی
(۴) تدبیر

۸۶- مخاطب شعر در کدام گزینه متفاوت است؟

- (۱) بودی تو و دیدی که چه سیراب شکفتند / آن چار شقایق به بهار بدن دوست
(۲) داغ تو ماندگار است، چندان که یادگار است / از خون هزار لاله بر بیرق بهاران
(۳) بی‌خزان است آن بهار سرخ تو در خاطر من / آن که از خون هشت گل رویاند بر پیراهنت
(۴) چگونه خون تو پامال سال و ماه شود؟ / که چون بهار رسد، خون ارغوان تازه‌ست

۸۷- کدام بیت دربردارندهٔ یک مثل است؟

- (۱) کسی قلدح به سر آستین نمی‌پوشید / برای طبل زدن حاجت گلیم نبود
- (۲) مگر تدارک این شور و شر برای بشر / همه به خاطر دندان زدن به سیبی نیست؟
- (۳) گهی تنگ است دنیايم گهی در مشّت گنجایم / فرومانده است عقل مدّعی در کار ابعادم
- (۴) فراغ و عمر؟ نه! حاشا که رخ دهد، حاشا / میان جیوه و آب اتفاق همجوشی

۸۸- توضیح کدام گزینه خطاست؟

- (۱) برو ای زاهد و بر دردکشان خرده مگیر / که ندادند جز این تحفه به ما روز الست: مستی عشق ما ازلی است و زاهد نباید بر ما به این دلیل خرده گیری کند.
- (۲) اگرچه باده فرح‌بخش و باد گلپیزست / به بانگ چنگ مخور می که محتسب تیز است: علی‌رغم خوبی هوا و خوشی باده، باید بدون سر و صدا و پنهان از محتسب باده‌نوشی کرد.
- (۳) آنکه جز کعبه مقامش نبذ از یاد لبّت / بر در میکده دیدم که مقیم افتاده‌ست: کسی که به یاد لب تو در کعبه به سر می‌برد، اکنون همواره مست است.
- (۴) بیا که قصر امل سخت سست‌بنیاد است / بیار باده که بنیاد عمر بر باد است: چون آرزوهای آدمی به‌سادگی از میان می‌رود و عمر ناپایدار است، باید مستی پیشه کرد.

۸۹- نقش دستوری (نحوی) عبارت مشخص‌شده در کدام گزینه متفاوت است؟

- (۱) یکی را تب آمد ز صاحب‌دلان / کسی گفت شکر بخواه از فلان
- (۲) کسی را که درج طمع درنوشت / نباید به کس عبد و خادم نبشت
- (۳) به نیران شوق اندرونش بسوخت / حیا دیده بر پشت پایش بدوخت
- (۴) قناعت سرِ افرازد ای مرد هوش / سر پر طمع بر نیاید ز دوش

۹۰- در همهٔ گزینه‌ها مثل به کار رفته است بجز گزینهٔ

- (۱) بگفت آنچه دانست و بایسته گفت / به گل چشمهٔ خور نشاید نهفت
- (۲) جز آن کس ندانم نکوگوی من / که روشن کند بر من آهوی من
- (۳) ریاضت کش از بهر نام و غرور / که طبل تهی را رود بانگ دور
- (۴) فروتن بود هوشمند گزین / نهد شاخ پرمیوه سر بر زمین

۹۱- در شعر زیر کدام یک از بیت‌ها موقوف‌المعانی هستند؟

- الف- در سرای مغان رفته بود و آب‌زده / نشسته پیر و صلابی به شیخ و شاب زده
- ب- سبوکشان همه در بندگیش بسته کمر / ولی ز ترک کله چتر بر سحاب زده
- ج- ز شور و عربدهٔ شاهدان شیرین کار / شکر شکسته سمن ریخته رباب زده

د- سلام کردم و با من به روی خندان گفت / که ای خمارکش مفلس شراب زده
ه- که این کند که تو کردی به ضعف همت و رای / ز گنج خانه شده خیمه بر خراب زده

(۱) الف ، ب (۲) ب ، ج (۳) ج ، د (۴) د ، ه

۹۲- بخش مشخص شده در کدام بیت یک کلمه است؟

- (۱) بر نیک محضر فرستاد کس / در توبه کوبان که فریاد رس
- (۲) به میخانه در سنگ بر دن زدند / کدو را نشانند و گردن زدند
- (۳) نه بم داند آشفته سامان نه زیر / به آواز مرغی بنالد فقیر
- (۴) بر آن صد هزار آفرین کاین بگفت / حق تلخ بین تا چه شیرین بگفت

۹۳- در همه گزینه ها آرایه حسن تعلیل دیده می شود بجز گزینه

- (۱) پیشت به تواضع است گویی / افتادن آفتاب بر خاک
- (۲) بر هم نزنند دست خزان بزم ریاحین / گرباد به بستان برد از زلف تو بویی
- (۳) از روی تو ماه آسمان را / شرم آمد و شد هلال باریک
- (۴) همچنانست ناخن رنگین گواهی می دهد / بر سرانگشتان که در خون عزیزان داشتی

۹۴- در کدام بیت جابه جایی ضمیر دیده نمی شود؟

- (۱) گلم نباید و سروم به چشم درناید / مرا وصال تو باید که سرو گلبویی
- (۲) کنونم آب حیاتی به حلق تشنه فرو کن / نه آنگهی که بمیرم به آب دیده بشویی
- (۳) تا دل به مهرت داده ام در بحر فکر افتاده ام / چون در نماز استاده ام گویی به محرابم دری
- (۴) هر آن وقتی که دیدارش نبینم / جهانم تیره باشد بر جهان بین

۹۵- در کدام بیت آرایه اسلوب معادله دیده می شود؟

- (۱) تو خواهی آستین افشان و خواهی روی در هم کش / مگس جایی نخواهد رفتن از دکان حلوایی
- (۲) مرا وقتی ز نزدیکان ملامت سخت می آمد / نترسم دیگر از باران که افتادم به دریایی
- (۳) دل من نه مرد آنست که با غمش بر آید / مگسی کجا تواند که بیفکند عقابی
- (۴) خار تا کی لاله ای در باغ امیدم نشان / زخم تا کی مرهمی بر جان درد آگین من

۹۶- در کدام بیت استعاره دیده می شود؟

- (۱) یا دل بنهی به جور و بیداد / یا قصه عشق درنوردی
- (۲) خورشید و گلت خوانم هم ترک ادب باشد / چرخ مه و خورشیدی باغ گل و نسری
- (۳) ای سیم تن سیاه گیسو / کز فکر سرم سپید کردی
- (۴) ای زلف تو هر خمی کمندی / چشمت به کرشمه چشم بندی

زبان عربی

۹۷- در کدام جمله خطا وجود دارد؟

- (۱) خمسةٌ و سبعونَ زائدُ خمسةٌ و عشرينَ يساوي مئةً.
- (۲) انَّ القرآنَ يأمرُ المسلمينَ اَلَّا يَسْبُوا معبوداتِ المشركينَ و الكفارِ.
- (۳) هو الذي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ.
- (۴) ايُّهَا السَّائِقُ نُرِيدُ أَنْ نَذْهَبَ اِلَى الْمَدَائِنِ.

۹۸- معنای کدام جمله اشتباه است؟

- (۱) انَّ لسانَ القِطِّ سلاحٌ طَبِيٌّ دائمٌ لآَنَهُ مَمْلُوءٌ بِغُدَدٍ تَفْرُزُ سَائِلًا مُطَهَّرًا: زبانِ گربه سلاحِ طبی دائمی است زیرا پیر از غده‌هایی است که هر خواهنده‌ای برای پاک کردن لازم دارد.
- (۲) نرجو منكَ اغلاقَ هذا المضيقِ بسدٍّ عظيمٍ: از تو می‌خواهیم این تنگراهه را با سدِ بزرگی مسدود کنی.
- (۳) مَنْ جَرَّبَ الْمَجْرَبَ حَلَّتْ بِهِ النَّدَامَةُ: آن که امور تجربه شده را باز بیازماید، دچار پشیمانی می‌شود.
- (۴) يَجُوزُ الْأَصْرَارُ عَلَى نِقَاطِ الْخِلَافِ وَ الْعُدْوَانِ لِلدِّفَاعِ عَنِ الْحَقِيقَةِ: برای دفاع از حقیقت، پافشاری بر نقاط خلاف و دشمنی جایز است.

۹۹- توضیح مقابل کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) تجرى الرياح بما لاتتتهى السفن. (السفن: جمع مکسر سفینه، مفعولٌ به)
- (۲) إن أحسن الحسن الخلق الحسن. (الخلق: جمع مکسر اخلاق، خبر إن)
- (۳) أنزل من السماء ماءً فتصبح الأرضُ مخررةً. (مخررةً: نکره، مفعولٌ به)
- (۴) أعلم الناس من جمع علم الناس إلى علمه. (علم: معرفه، مفعولٌ به)

۱۰۰- توضیح کدام گزینه خطاست؟

- (۱) الناس نیامٌ فإذا ماتوا انتبهوا: زندگی حقیقی پس از مرگ است.
- (۲) لن تنالوا البرَّ حتى تنفقوا ممّا تحبّون: نیکی با دوستان با رباکاری سازگار نیست.
- (۳) انَّ اللهَ لا یغیرُ ما بقومٍ حتى یغیروا ما بأنفسهم: ابتدا باید از خود شروع کرد.
- (۴) الإنسان بکلِّ لسانٍ انسان: کرامت انسانی به نژاد و زبان وابسته نیست.

1	1	2	3	4
2	1	2	3	4
3	2	3	4	1
4	1	2	3	4
5	1	2	3	4
6	2	3	4	1
7	1	2	3	4
8	2	3	4	1
9	1	2	3	4
10	1	2	3	4
11	1	2	3	4
12	1	2	3	4
13	1	2	3	4
14	2	3	4	1
15	2	3	4	1
16	1	2	3	4
17	2	3	4	1
18	2	3	4	1
19	1	2	3	4
20	1	2	3	4
21	1	2	3	4
22	1	2	3	4
23	1	2	3	4
24	2	3	4	1
25	2	3	4	1

26	1	2	3	4
27	1	2	3	4
28	1	2	3	4
29	1	2	3	4
30	1	2	3	4
31	1	2	3	4
32	2	3	4	1
33	1	2	3	4
34	1	2	3	4
35	1	2	3	4
36	1	2	3	4
37	1	2	3	4
38	1	2	3	4
39	1	2	3	4
40	1	2	3	4
41	2	3	4	1
42	1	2	3	4
43	1	2	3	4
44	2	3	4	1
45	1	2	3	4
46	1	2	3	4
47	2	3	4	1
48	1	2	3	4
49	1	2	3	4
50	1	2	3	4

51	1	2	3	4
52	1	2	3	4
53	1	2	3	4
54	1	2	3	4
55	1	2	3	4
56	2	3	4	1
57	1	2	3	4
58	1	2	3	4
59	1	2	3	4
60	2	3	4	1
61	1	2	3	4
62	2	3	4	1
63	1	2	3	4
64	1	2	3	4
65	1	2	3	4
66	1	2	3	4
67	1	2	3	4
68	1	2	3	4
69	1	2	3	4
70	1	2	3	4
71	2	3	4	1
72	1	2	3	4
73	1	2	3	4
74	2	3	4	1
75	1	2	3	4

76	1	2	3	4
77	1	2	3	4
78	1	2	3	4
79	2	3	4	1
80	1	2	3	4
81	2	3	4	1
82	1	2	3	4
83	2	3	4	1
84	1	2	3	4
85	2	3	4	1
86	2	3	4	1
87	2	3	4	1
88	1	2	3	4
89	2	3	4	1
90	1	2	3	4
91	1	2	3	4
92	1	2	3	4
93	1	2	3	4
94	1	2	3	4
95	1	2	3	4
96	2	3	4	1
97	1	2	3	4
98	2	3	4	1
99	1	2	3	4
100	1	2	3	4